

محمدقلی مجد

بالاترین حد در ناجوانمردی

تهیه کننده: مهدی شمشیری

دوست گرامی

بادرود فراوان

به احتمال زیاد آن دوست گرامی نیز مانند اینجانب تا کنون چندین بار متن زیر را از سوی کسانی که در زمره طرفداران یا مخالفان رضا شاه بزرگ میباشند دریافت داشته‌است. اکثر طرفداران مذکور که نمیتوانند دروغهای ناجوانمردانه مندرج در آن متن را باور نمایند از اینجانب توضیح خواسته‌اند ولی بسیاری از مخالفان بی‌منطق و کینه‌توز رضا شاه بزرگ که به خیال خود به اسنادی قاطع و موثق در محکومیت آن ابرمرد تاریخ ایران دست یافته‌اند از خوشحالی در پوست نمی‌گنجند و به آنجهت آن را بارها برای من ای-میل کرده‌اند و گمان مینمایند پاسخی مستدل و دندان شکن به نوشته‌ها و گفتارهای من خواهد بود. اینان نمیدانند که آفتاب را با گل نمی‌توان اندود و این دروغهای ناجوانمردانه و بی‌منطق نخواهند توانست که بر دامن کبریائی آن مرد بزرگ گردی بنشانند.

در هر حال، این آقای محمدقلی جمند، مدعی است که آگاهی‌های خود را از اسناد محرمانه وزارت امور خارجه آمریکا به دست آورده است و چون نگارنده از بیست سال پیش تا کنون یکی از پژوهشگران این اسناد بوده‌است لذا اکنون قاطعانه اعلام میدارد که اسناد مورد ادعای وی وجود

خارجی ندارد و آن ادعا کوششی است ناجوانمردانه که به منظور بدنام ساختن رضا شاه بزرگ صورت گرفته است. با این ترتیب چون درخواست ارائه اسنادی که وجود نداشته‌اند از این ناجوانمرد کاری بیهوده می‌باشد لذا نگارنده، ذیلاً، در صدد بر آمده است که با ارائه دلالتی دروغ بودن آن ادعاهای وی را ثابت نماید.

مهدی شمشیری

اول متن آن ادعاهای دروغ:



در خاطرات پدرم خوانده بودم که پس از سقوط رضا شاه، بعضی از مردم، به ویژه دکتر محمد مصدق، گفته بودند که تمام درآمدهای نفتی ایران در دوره رضا شاه عملاً به بهانه خرید مهمات و اسلحه به حساب های بانکی شخصی شاه در لندن و آمریکا ریخته می شد. تصمیم گرفتم که این ادعا را نیز مورد بررسی قرار دهم.

تنها یک نگاه ساده به اسناد مربوط به نفت و مالیه ایران و ارقامی که در این اسناد ذکر شده بود کافی بود تا ثابت کند که ادعای مصدق کاملاً درست بوده است. بله، عملاً تمامی درآمدهای نفتی ایران در دوره رضا شاه، یعنی رقمی در حدود ۲۰۰ میلیون دلار، به حساب های شخصی او انتقال یافته بود. برای این که عظمت این رقم را دریابیم باید توجه کنیم که کل بودجه دولت ایران در سال ۱۹۲۵ میلادی حدود ۲۰ میلیون دلار بود.

این اسناد آمریکایی به ویژه از این زاویه ارزشمند و بااهمیت هستند که چشم انداز و روایتی به کلی متفاوت را از حوادث ایران در سال های صعود و سلطنت رضا شاه عرضه می کنند. مثلاً، اسناد آمریکایی این تصور را که سالیان مدید در میان ایرانیان وجود داشت تأیید و مستند می کنند که رضا شاه را انگلیسی ها به قدرت رسانیدند، انگلیسی ها حکومت او را حفظ کردند، و زمانی که تداوم قدرت او را غیرمفید تشخیص دادند در سال ۱۹۴۱ رضا شاه را صحیح و سالم از ایران خارج کردند و پسرش را جایگزین او نمودند. درباره رضا شاه دروغ بزرگی رواج یافته که گویا او هوادار آلمان بود. چنین نیست. اسناد آمریکایی ثابت می کنند که رضا خان میرپنج را انگلیسی ها به قدرت رسانیدند و از حکومت او حفاظت کردند و قطعاً او هیچگاه در برابر انگلیسی ها سرکشی نکرده و هوادار آلمان نشده است. دروغ بزرگ دیگر این است که گویا رضا شاه برخلاف پسرش اهل انتقال پول به خارج از کشور نبود و ثروت مهمی در خارج نیندوخت. اسناد آمریکایی نشان می دهند که رضا شاه حدود ۲۰۰ میلیون دلار در بانک های خارج و معادل ۵۰ میلیون دلار در ایران ذخیره پولی شخصی داشت. توجه کنید که این رقم متعلق به سال ۱۹۴۱ میلادی است و به پول امروز ثروت فوق را باید با ارقام میلیاردی محاسبه کرد. به علاوه، ما می دانیم که «اعلیحضرت پهلوی» در سال ۱۹۴۱ به هیئت نمایندگی انگلیس در تهران پناهنده شد، به وسیله یک کشتی انگلیسی از ایران خارج شد و تا پایان عمر در مناطق تحت سلطه انگلیس زندگی کرد. به علاوه، ما می دانیم که انگلیسی ها قصد داشتند رضا شاه را در اواخر عمرش از ژوهانسبورگ به کانادا انتقال دهند که به دلیل بیماری اش میسر نشد.

دوم پاسخهای نگارنده

ناجوانمردی اول

میگویند به میمون گفتند شاهدت کیست؟ گفت: دمبم!

حالا آقای محمدقلی مجد هم نوشته است:

"در خاطرات پدرم خوانده بودم که پس از سقوط رضا شاه، بعضی از مردم، به ویژه دکتر محمد مصدق، گفته بودند که تمام درآمدهای نفتی ایران در دوره رضا شاه عملاً به بهانه خرید مهمات و اسلحه به حساب های بانکی شخصی شاه در لندن و آمریکا ریخته می شد."

پاسخ:

دوستان میدانند که نگارنده در حدود نیم قرن است که را جمع به تمام جنبه های زندگی محمد مصدق، اعم از شخصی، اجتماعی، و سیاسی به پژوهش پرداخته ام و هر یک از سخنرانیها و نوشته های او را بارها و بارها خوانده ام و اکنون با کمال اطمینان و به جرئت اعلام مینمایم که هرگز محمد مصدق چنین گفته ای را بر زبان نیاورده و آقای محمد قلی مجد این گفتار را هم به دروغ و با ناجوانمردی و غرض از قول محمد مصدق بیان داشته است.

ناجوانمردی دوم

"یک نگاه ساده به اسناد مربوط به نفت و مالیه ایران و ارقامی که در این اسناد ذکر شده بود کافی بود تا ثابت کند که ادعای مصدق کاملاً درست بوده است. بله، عملاً تمامی درآمدهای نفتی ایران در دوره رضا شاه، یعنی رقمی در حدود ۲۰۰ میلیون دلار، به حساب های شخصی او انتقال یافته بود."

دروغ بزرگ دیگر این است که گویا رضا شاه برخلاف پسرش اهل انتقال پول به خارج از کشور نبود و ثروت مهمی در خارج نیندوخت. اسناد آمریکایی نشان می دهند که رضا شاه حدود ۲۰۰ میلیون دلار در بانک های خارج و معادل ۵۰ میلیون دلار در ایران ذخیره پولی شخصی داشت.

بله، عملاً تمامی درآمدهای نفتی ایران در دوره رضا شاه، یعنی رقمی در حدود ۲۰۰ میلیون دلار، به حساب های شخصی او انتقال یافته بود. اسناد آمریکایی نشان می دهند که رضا شاه حدود ۲۰۰ میلیون دلار در بانک های خارج و معادل ۵۰ میلیون دلار در ایران ذخیره پولی شخصی داشت."

پاسخ دوم

- ذیلاً تمام درآمدهائی که شرکت نفت انگلیس و ایران، از روز بعد از کودتای ۱۲۹۹، یعنی از زمانی که هنوز رضا خان به نخست‌وزیری هم نرسیده بوده، تا زمانی وی توسط ارتشهای اشغالگر روس و انگلیس از پادشاهی برکنار گردیده، محاسبه شده است.
- وجوه پرداختی به لیره یا پوند میباشد و اولین آن به مبلغ -/۵۸۵,۰۰۰ لیره همان وجهی است که **محمد مصدق**، در سمت وزیر مالیه، با دریافت آن قرارداد شوم آرمیتاژسمیت را به مورد اجرا گذاشت.
- سال مالی شرکت نفت انگلیس و ایران، به منظور نزدیک بودن به تقویم ایرانی، هر سال، از اول آوریل تا ۳۱ مارس (از ۱۲ فروردین تا ۱۱ فروردین سال بعد) بوده است و حق‌الامتیاز سهم دولت ایران، بعد از انجام محاسبات، معمولاً هشت ماه بعد، یعنی در نوامبر پرداخت میشده است. با این ترتیب چون زمان پرداخت وجوه مربوط به حق‌الامتیاز سال ۱۹۴۰ میلادی در نوامبر ۱۹۴۱ (آبان و آذر ۱۳۲۰)، یعنی چند ماه بعد از برکناری **رضا شاه بزرگ** بوده، لذا در محاسبه زیر منظور نشده است.
- حال خوانندگان گرامی فهرست خدماتی را که در طول پادشاهی **رضا شاه بزرگ** انجام شده است با وجوه زیر مقایسه و داوری نمائید که چگونه ممکن است آن **پادشاه بزرگ** آنهمه خدمت را به انجام رسانده و در عین حال **دویست میلیون دلار**؟! از این پولها را به حسابهای خود در بانکهای خارج گذاشته باشد؟

لیره

۵۸۵,۰۰۰/-.....

سال

۱۹۲۱

۵۹۳،۰۰۰/-.....	۱۹۲۲
۵۳۳،۰۰۰/-.....	۱۹۲۳
۴۱۱،۰۰۰/-.....	۱۹۲۴
۸۳۱،۰۰۰/-.....	۱۹۲۵
۱،۰۵۴،۰۰۰/-.....	۱۹۲۶
۱،۴۰۰،۰۰۰/-.....	۱۹۲۷
۵۲۹،۰۰۰/- و ۵۰۲،۰۰۰/- (دوقلم).....	۱۹۲۸
۱،۴۳۷،۰۰۰/-.....	۱۹۲۹
۱،۲۸۸،۰۰۰/-.....	۱۹۳۰
۱،۳۳۹،۰۰۰/-.....	۱۹۳۱
۱،۵۲۵،۳۸۳/-.....	۱۹۳۲
۱،۸۱۲،۴۴۲/-.....	۱۹۳۳
۲،۱۸۹،۸۵۳/-.....	۱۹۳۴
۲،۲۲۰،۶۴۸/-.....	۱۹۳۵
۲،۵۸۰،۲۰۶/-.....	۱۹۳۶
۳،۵۴۵،۳۱۳/-.....	۱۹۳۷
۳،۳۰۷،۴۷۵/-.....	۱۹۳۸
۲،۲۷۰،۸۱۴/-.....	۱۹۳۹

۲۹،۹۵۴،۱۳۴

جمع کل:

(مأخذ: خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ - بنجامین شوادران - ترجمه: عبدالحسین شریفیان - جدول بین صفحات ۱۴۴/۱۴۵)

البته ارزش یک دلار کمتر از دلار بوده است ولی چون پیدا کردن نرخ تبدیل لیره به دلار در طول مدت ۲۰ سال و تعیین اینکه این ۲۹،۹۵۴،۱۳۴ لیره چند دلار میشده است، کاری مشکل میباشد لذا انجام آن را ، در صورت علاقه، به عهده خوانندگان گرامی واگذار مینماید.

پاسخ رضا شاه بزرگ به اتهامات رادیوهای بیگانه (البته بی-بی-سی)

در آن ایام دستگاههای تبلیغاتی روس و انگلیس، مخصوصاً رادیوی بی بی سی و ایادی خیانتکار دو دولت مزبور در ایران، برای توجیه اقدام زشت در مورد برکناری رضا شاه بزرگ، کوشش میکردند که با وارد ساختن انواع اتهامات دروغ و ناروا آن پادشاه بزرگ را در نظر مردم ایران منفور سازند و از جمله این اتهامات ناروا همین داشتن حساب در بانکهای خارجی، به ویژه انگلستان، بوده است. بیشتر مردم هم این اتهامات دروغ را باور کرده و کسی به فکر نمی‌افتاده است که اگر این اتهامات حقیقت داشت، مسلماً دولت انگلیس به نحوی وسائل افشای اسناد و اطلاعات واقعی آن حسابهای بانکی را فراهم میساخت و آنهمه به دروغگوئی نمی‌پرداخت.

در خاطرات شمس پهلوی که در مسافرت پدرش به تبعیدگاه نامعلوم به همراه وی بوده، راجع به روزهایی که هنوز در اصفهان بوده‌اند چنین میخوانیم:

" آن روزها رادیوهای خارجی در باره پولهای ایشان در بانکهای بیگانه گفتگو میکردند و رادیو تهران هم اطلاع میداد که در مجلس [شورای ملی] گفتگو از جواهرات سلطنتی به میان آمده است. اعلیحضرت فقید پس از اطلاع از این خبرها خنده تلخی نموده فرمودند: من فقط سه لیره و کسری در بانک سویس دارم و آن هم باقیمانده پولی است که برای خرج تحصیل والا حضرت همایون ولایتعهد در بانک سویس گذارده بودم . . . "

(رضا شاه - خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پلوی، علی ایززدی - غلامحسین میرزا صالح - صفحه ۴۰۷)

ناجوانمردی سوم

" درباره رضا شاه دروغ بزرگی رواج یافته که گویا او هوادار آلمان بود. چنین نیست. اسناد آمریکایی ثابت می‌کنند که رضا خان میرپنج را انگلیسی‌ها به قدرت رسانیدند و از حکومت او حفاظت کردند و قطعاً او هیچگاه در برابر انگلیسی‌ها سرکشی نکرده و هوادار آلمان نشده است."

پاسخ سوم

در پاسخ به این اتهام به تعداد مستشاران و کارشناسان خارجی که از کودتای ۱۲۹۹ تا پایان پادشاهی رضا شاه بزرگ در ایران استخدام شده‌اند و نیز به سفارشات و خریده‌ها از کشورهای خارجی و

آموزش کادرهای نظامی و فنی ایرانی در آن کشورها، در همان مدت، استناد مینماید تا خوانندگان گرامی خود داوری نمایند که آیا **رضا شاه بزرگ** انگلیسی بود.

الف - استخدام مستشار و کارشناس از کشورهای غیر از انگلیس

از کودتای ۱۲۹۹ شمسی تا پایان پادشاهی **رضا شاه بزرگ** جمعاً ۳۰۷ نفر مستشار یا کارشناس خارجی با کسب مجوز از مجلس شورای ملی توسط دولت ایران استخدام شده‌اند. فهرست کشورهای متبوع این کارشناسان و مستشاران و تعداد مربوط به هر کشور به شرح زیر میباشد:

آلمان ۱۱۱ نفر - فرانسه ۶۱ نفر - بلژیک ۲۹ نفر - سوئیس ۲۳ نفر - سوئد ۱۷ نفر - آمریکا ۱۳ نفر - چین ۱۰ نفر - دانمارک ۶ نفر - مجارستان ۶ نفر - اطریش ۵ نفر - چکوسلواکی ۳ نفر - ایتالیا ۳ نفر - انگلستان ۲ نفر - لتونی ۲ نفر - هلند ۲ نفر - استونی ۱ نفر - بلغارستان ۱ نفر - سوریه ۱ نفر - لبنان ۱ نفر - روسیه ۱ نفر - فلسطین ۱ نفر - ژاپن ۱ نفر - لهستان ۱ نفر - یونان ۱ نفر - جمع ۳۰۷ نفر

بطوری که ملاحظه میشود فقط دو نفر مستشار و کارشناس از کشور انگلستان استخدام شده بوده‌اند و آنهم به عنوان محاسب متخصص و حسابرس بوده است.

(آمار بالا توسط نگارنده از فهرست روز به روز وقایع از جلد اول گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی جمع‌آوری شده است)

ب - سفارشات و خریده‌ها و آموزش کادرهای نظامی و فنی

در کشورهای غیر از انگلیس

- ارتش مجهزی که **رضاشاه بزرگ** برای ایران به وجود آورد نه تنها تحت تسلط و فرماندهی مستشاران نظامی انگلیس نبود بلکه قسمت عمده و نزدیک به کل ماشین‌آلات، تسلیحات و تجهیزات، لوازم و ابزار مورد نیاز ارتش هم **از کشورهای غیر انگلیسی** خریداری و تأمین شد. جوانان ایرانی برای فراگیری روشهای کار با تجهیزات و تسلیحات مزبور به همان کشورها اعزام شدند.
- مثلاً کشتیهای مورد نیاز نیروی دریایی **به ایتالیا** سفارش داده شد و ملوانان و ملاحان مورد نیاز نیروی دریایی هم در همان کشور تربیت یافتند.
- نیروهای هوایی و زمینی با هواپیماها و تجهیزات و کامیونهای **آلمانی** مجهز و خلبانها و تکنیسین‌های لازم برای این نیروها در همین کشور آموزش دیدند.
- قسمت عمده‌ای از سلاحهای ارتش از **چکوسلواکی** خریداری شد و سهم انگلستان برای تأمین آنها ماشین‌آلات، تجهیزات و تسلیحات ناچیز بود.

- کارخانه‌های قند، سیمان، نخ‌ریسی، پارچه‌بافی، گونی‌بافی و حریربافی از **آلمان** خریداری شد و یک کارخانه هواپیماسازی به نام شهباز توسط متخصصان آلمانی در ایران تأسیس گردید.
- کارخانه‌های برق تهران را **چکوسلواکیها** به ایران فروختند.
- بندرسازیها، پلسازیها و قسمت عمده‌ای از پروژه عظیم راه‌آهن سرتاسری را **کشورهای غیر از انگلستان** به انجام رساندند و حتی سهم کشورهای نظیر **دانمارک، سوئد و هلند** جهت فروش لوازم و شرکت در اجرای پروژه‌های مورد نظر ایران **به مراتب بیش از انگلستان** بوده است.
- قسمت عمده‌ای از دستگاه‌های بی‌سیم و لوازم مخابراتی ایران را **دولت روسیه شوروی** تأمین کرد و اولین فرستنده دولتی رادیویی در ایران را همان کشور به وجود آورد.

حال آیا نباید از این **محمدقلی جمند ناجوانمرد** پرسید که:

۱ - اگر **رضا شاه بزرگ** انگلیسی بود چرا تقریباً تمام سفارشات و خریدهایش از کشورهای غیرانگلیسی انجام میشد؟

۲ - اگر **رضا شاه بزرگ** تمام پول نفت (و خیلی بیش از آنها) را به حساب‌های خود در بانکهای خارج انتقال داده بود آنهمه خدمت با چه پولهایی انجام شده بود؟

ج - وجود آلمانی‌ها در ایران ، بهانه اشغال ایران توسط روس و انگلیس

۲۸ تیرماه ۱۳۲۰ - ۱۹ ژوئیه ۱۹۲۱

دولتین انگلستان و شوروی طی یادداشتهایی که به وسیله سفرای خود در تهران تسلیم دولت ایران کردند ادعا نمودند که وجود عده کثیری آلمانی در ایران امنیت و منافع متفقین را در این کشور دچار خطر ساخته است. از این رو از دولت ایران خواستار شدند که تعداد اتباع آلمان را در ایران تقلیل دهد.

۷ مردادماه ۱۳۲۰ - ۲۹ ژوئیه ۱۹۴۱

وزارت امور خارجه ایران به یادداشت انگلستان و شوروی پاسخ داد و متذکر شد که با توجه به بیطرفی کامل ایران، نگرانی آن دو دولت موردی ندارد. وزارت امور خارجه همچنین تذکر داد که دولت ایران هیچگاه به اتباع کشورهای خارجی اجازه نخواهد داد که در امور داخلی ایران مداخله نموده و یا در روابط دوستانه ایران با سایر کشورها اختلال نمایند.

۱۲ مردادماه ۱۳۲۰ - ۴ اوت ۱۹۴۱

خبرگزاری آلمان اطلاع داد که شصت تن آلمانی مقیم ایران که در تهران به مشاغل فنی اشتغال داشتند عازم ترکیه شده‌اند و قرار است بقیه اتباع آلمان نیز در پایان مدت روادیدشان تهران را ترک کنند.

۲۵ مردادماه ۱۳۲۰ - ۱۶ اوت ۱۹۴۱

سفرای انگلستان و شوروی در تهران بار دیگر با تسلیم یادداشتی به دولت ایران از فعالیت اتباع آلمانی در این کشور ابراز نگرانی کرده و درخواست خویش را دائر بر تقلیل تعداد اتباع آلمان در ایران و اخراج آنها از این کشور تجدید نموده‌اند.

۲۷ مردادماه ۱۳۲۰ - ۱۸ اوت ۱۹۴۱

از طرف دولت ایران پاسخ یادداشتهای انگلستان و شوروی به آن دو دولت تسلیم گردید. در این یادداشت دولت ایران بار دیگر تأکید کرد که ایران در مورد مسائل بین‌المللی از هر جهت اصل بی‌طرفی را نموده و مانع از آن خواهد شد که خارجیان مقیم این کشور فعالیت‌هایی علیه منافع و مصالح متفقین انجام دهند.

در تعقیب یادداشتهای انگلستان و شوروی مقامات ایرانی اعلام کردند که تعداد اتباع آلمان در ایران از چهارصد و هفتاد نفر تجاوز نمی‌کند و این تعداد ناچیز که در امور صنعتی و فنی فعالیت میکنند به هیچوجه نمی‌تواند امنیت متفقین را تهدید کند.

روزنامه تایمز عراق با توجه به نظراتی که محافل سیاسی انگلستان ابراز داشته‌اند از بی‌اعتنائی دولت ایران به درخواست‌های مصرانه انگلستان و شوروی در اخراج نزدیک به سه‌هزار نفر آلمانی از ایران اشاره کرده و وجود این افراد را در ایران یک خطر جدی برای انگلستان دانسته است.

۳ شهریورماه ۱۳۲۰ - ۲۵ اوت ۱۹۴۱

اعلامیه شماره یک ستاد ارتش ایران به آگاهی عموم رسانید که در ساعت چهار بامداد روز سوم شهریور، نیروهای ارتش شوروی در شمال و ارتش انگلستان در باختر و جنوب باختری مرزهای ایران را مورد تجاوز و تعرض قرار داده‌اند.

در هر حال، دولت ایران در سالها و ماههای پیش از شهریورماه ۱۳۲۰ در جهت ارتباط با آلمان و استفاده از خدمات فنی و صنعتی آلمانی‌ها تا آنجا پیش رفته بود که صدها و بلکه هزاران نفر آلمانی در مشاغل مزبور در سرتاسر ایران به خدمت اشتغال داشته‌اند که از جمله این خدمات میتوان کارخانه ذوب آهن در کرج را نام برد و بطوری که دیدیم دولتهای انگلیس و روس، به بهانه بی‌اعتنائی دولت ایران نسبت به فعالیت‌های حدود سه هزار نفر آلمانی علیه منافع متفقین این کشور را اشغال کرده و متعاقب آن آنهمه بلاهائی را که آگاه هستیم بر سر ما وارد آورده‌اندف حال این آقای ناجوانمرد مدعی شده است که رضا شاه " هیچگاه در برابر انگلیسی ها سرکشی نکرده و هوادار آلمان نشده است."

ناجوانمردی چهارم

"به علاوه، ما می دانیم که «اعلیحضرت پهلوی» در سال ۱۹۴۱ به هیئت نمایندگی انگلیس در تهران پناهنده شد."

یاسخ چهارم

دلیل ناجوانمردانه بودن این ادعای دروغ را هر فرد ایرانی میداند. هر فرد بیسواد ایرانی هم میداند که نه تنها هرگز رضا شاه بزرگ به هیئت نمایندگی انگلیس پناهنده نشده بلکه ارتش اشغالگر و متجاوز انگلیس با نیروی نظامی وی را از پادشاهی برکنار کرده و با تحقیر و خواری و به صورت تبعید از ایران خارج ساختند.

حال شخصی که با این روشنی و آنهم برای بدنام ساختن **رضاشاه بزرگ** دروغ بگوید آیا نباید نه تنها به خود او، بلکه به روح پدر و مادری که چنین موجود ناجوانمردی را تربیت کرده‌اند از صمیم قلب لعنت فرستاد؟

سرنوشت تمام املاک و اموال منقول و غیرمنقول رضا شاه بزرگ (در داخل و خارج کشور)

در جلسه مورخ ۳۰ شهریورماه ۱۳۲۰، آقای مجید آهی، وزیر دادگستری، به نمایندگی از سوی **محمدعلی فروغی**، نخست‌وزیر، ضمن معرفی اعضای جدید دولت، دو نامه زیر را نیز قرائت نموده است. نامه اول صلحنامه‌ای به امضای **رضا شاه بزرگ** (شاه مستعفی) بوده که آن را در اصفهان بطور رسمی به ثبت رسانده‌بوده‌اند و دومی نامه‌ای به امضای **محمدرضاشاه پهلوی** (شاه جدید) بوده مبنی براینکه اموال غیرمنقول مندرج در صلحنامه مزبور را به دولت میبخشد تا به ترتیبی که ذکر شده است به مصرف برسانند:

نامه اول

به نام خداوند متعال
چون از ابتدای تأسیس و تشکیل سلطنت خود پیوسته در فکر عمران و آبادانی کشور بوده و این مطلب را در مقدمه برنامه اصلاحات کشور خود قرار داده بودم و همواره در نظر داشتم این رویه **عمران سرمشق کلیه صاحبان زمین و املاک گردد تا در موقع خود بتوانم از ثمره این املاک کلیه ساکنین و رعایای کشور خود را بهره‌مند نمایم** و این فرصت در این موقع که فرزند ارجمند عزیزم **اعلیحضرت محمدرضا**

شاه پهلوی زمام امور کشور را به دست گرفته‌اند حاصل شده است بنا بر این مصالحه نمودم کلیه اموال و دارائیهای خود را (اعم از منقول و غیرمنقول و کارخانجات و غیره) از هر قبیل که باشد به ایشان به مال‌الصلح ده گرم نبات موهوب تا به مقتضای مصالح کشور به مصارف خیریه و فرهنگی و غیره به هر طریقی که صلاح بدانند برسانند. (رضا پهلوی)

نامه دوم

جناب نخست‌وزیر

چون منظور اصلی اعلیحضرت پدر بزرگوار ما در واگذاری اموال خودشان به ما این بود که به مصارف خیریه برسد و ما هم همیشه سعی داشته و داریم که وسایل آسایش و رفاه عموم را از هر حیث فراهم آوریم بنا بر این چنین تصمیم نمودیم اموالی که از قبیل املاک و مستغلات و کارخانجات به ما وگذار شده است به منظور ترقی کشاورزی و بهبود حال کشاورزان، ترقی اوضاع شهرها، ترقی صنایع کشور، و بهبود حال کارگران، ترقی فرهنگ و بهداری، به دولت و ملت اعطاء نمائیم تا بر حسب اقتضاء و برای انجام منظورهای بالا، یا املاک را به فروش برسانند و یا با حفظ و توسعه آبادی آنها در ملک دولت نگاهدارند و نیز مقرر میداریم که اگر کسانی باشند که نسبت به املاک ادعای غبن داشته باشند پس از رسیدگی به شکایات آنها از محل همین املاک رفع ادعا بشود. (محمدرضا پهلوی) ۳۰ شهریور ۱۳۲۰ (روزنامه اطلاعات - سی‌ام شهریور ماه ۱۳۲۰ - صفحه اول ستونهای سوم و چهارم)

اظهارات آقای فروغی، نخست‌وزیر، به آقایان نمایندگان

پیش از تشکیل جلسه علنی مجلس شورای ملی در تاریخ ۶ مهرماه ۱۳۲۰ (نقل از روزنامه اطلاعات - هفتم مهرماه ۱۳۲۰ - صفحه اول - ستونهای سوم و چهارم)

"عصر دیروز آقای فروغی، نخست‌وزیر، در خارج از [جلسه علنی] مجلس با آقایان نمایندگان مذاکراتی به عمل آورده و بیاناتی در پیرامون مسائل جاری و توجه مجلس به اصلاحات و اظهار خوشوقتی از همکاری مجلس با دولت نمودند و نیز گزارشی از مسافرت اعلیحضرت شاه سابق به اطلاع نمایندگان رسانیده اظهار داشتند چنانکه آقایان مسبقاً هستند شاه سابق تمام املاک و اموال و دارائی خود را که در ایران داشتند به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی واگذار نمودند و اعلیحضرت هم به دولت و ملت واگذار فرمودند و مخصوصاً توجه شاهانه به این قسمت معطوف است و دستورهای لازم داده‌اند که حقوق اشخاص که دعاوی دارند باید با رعایت کامل مورد توجه قرار گیرد علاوه بر این وجوه نقدی که شاه سابق در بانک ملی ایران داشته چه به حساب جاری و چه به حساب ثابت به اعلیحضرت همایونی انتقال پیدا کرده و جمع آن زیاده از ششصد و هشتاد میلیون ریال یا شصت و هشت میلیون تومان میباشد. و اعلیحضرت همایونی با نیت پاک و حسن عقیده و رأفت خاص که همه در ایشان سراغ داریم فوراً در صدد برآمدن که این وجوه را به مصارف خیریه و کارهای نوع پرستانه که برای کشور کمال ضرورت را دارد برسانند و به همین

جهت بود که فهرستی خود ایشان تهیه نمودند و به مجلس شورای ملی گزارش داده شد و به تدریج همه آنها به موقع اجراء گذارده میشود. این نیت پادشاه جوان و محبوب ما البته سزاوار قدردانی و جای کمال خوشوقتی است و در همین مدت کم میبینیم چقدر توجه به مسائل عمومی کشور و رفاه آسایش مردم دارند و اینکه اصول قانون و عدالت و مشروطیت از هر جهت رعایت شود. موضوع دیگری که آقای فروغی به اطلاع مجلس رسانیدند راجع به گفتگوهای بود که در افواه از وجوه نقد پادشاه سابق در خارجه میشد و اطلاع دادند که هرچند معلوم نشده است که ایشان در خارجه مالی داشته باشند ولیکن احتیاطاً به اعلیحضرت پادشاه سابق مراجعه شد که تصریح نمایند اگر در خارجه دارائی داشته باشند آن نیز باید مشمول صلحنامه باشد. ایشان هم این تقاضا را پذیرفته و مطابق سند رسمی که در بندر عباس تنظیم شده و جوهری هم که از ایشان در بانکهای خارجه معلوم شود جزو دارائی منقول و مشمول صلحنامه ایشان خواهد بود و به اعلیحضرت انتقال خواهد یافت.

نظر به اینکه باز هم در افواه مذاکره از مقدار زیادی نفایس میشد که شاید اعلیحضرت شاه سابق همراه خود ببرند در موقع خروج از سرحد توسط مأمورین گمرک و غیره صورت مجلسی از اشیائی که همراه می‌بردند برداشته شد که جای شبهه و نگرانی در این خصوص باقی نماند و این صورت مجلس قریباً به تهران خواهد رسید و البته به اطلاع آقایان نمایندگان میرسد. در باب جواهرات سلطنتی هم آقای فروغی تذکر دادند بنا شده است آقایان نمایندگان رسیدگی نمایند و دولت مطلع است که جواهرات همه موجود و آنچه هم امانت گرفته شده بود مسترد شده و از این جهت هیچ نگرانی نیست و البته کمیسیون مربوطه آقایان نمایندگان رسیدگی خواهد کرد و نتیجه را به اطلاع مجلس میرسانند.

در پایان از تمام خوانندگان حقیقت دوست که متن بالا را تأیید مینمایند سؤال میشود که آیا نباید از صمیم قلب به دروغگویان ناجوانمردی مانند **محمدقلی مجد** و دروغپردازان ناجوانمردتری همچون **عبدالله شهبازی** که تقریباً تمام تارنمای خود در اینترنت را به پخش مطالب سیاسی دروغ، نظیر دروغهای بالا، اختصاص داده است لعنت فرستاد؟